

سفر شوم!

حاکمیت آذربایجان بایستی به این مطلب توجه کند که مسیر حل مشکلات این کشور نه از تل آویو بلکه از راه چنگ زدن به اسلام و بهره گیری از جوانان غیور و مسلمان این کشور، همچنین در سایه تعامل با کشورهایی که پرچم استکبار ستیزی و دفاع از مظلومین و محرومین را برافراشته‌اند میسر می‌باشد و اگر قرار بر آزادی قره‌باغ باشد تنها با پیمودن این مسیر ممکن خواهد بود.

محمد علیزاده

اشاره

طی هفته‌های اخیر شاهد حجم گسترده‌ای از تبلیغات در فضای رسانه‌ای جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی با محوریت سفر بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی به باکو هستیم. سفری که به طور هدفمند و با اهداف و مقاصد مختلفی صورت گرفت. آنچه از پروسه رسانه‌ای نمودن و تبلیغ سفر مذکور بر می‌آید این است که رژیم صهیونیستی قصد دارد حتی از اصل موضوع سفر نیز بهره‌برداری نماید و به نوعی نشان دهد که به رغم ادعاها در مورد منزوی شدن این رژیم، لیکن رژیم مذکور دارای ارتباطات گسترده با کشورهای منطقه می‌باشد و از این رهگذر به نوعی خود را از فشار روانی چنین وضعیتی خارج سازد. با اندک تامل در وضعیت کنونی منطقه کاملاً مشخص می‌گردد که در اکثر مناطق و کشورهایی که بحرانهای عربی و عبری دامنگیر آنها شده است، سمت و سوی جریانات به نفع رژیم صهیونیستی نیست که در این زمینه سوریه و عراق از ملموس‌ترین مصادیق به شمار می‌روند. لذا در چنین وضعیتی برخی اقدامات از جانب مقامات رژیم مزبور می‌تواند التیامی هرچند موقتی بر آلام و دردهای آنها باشد. در کنار آنچه که تا به الان ذکر گردید، این سفر دارای اهداف متعدد و گوناگون سیاسی، نظامی-امنیتی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و البته منطقه‌ای می‌باشد که بطور اختصار اشاره می‌گردد.

فرهنگی اجتماعی: در این باب تا اکنون مباحث بسیاری مطرح گردیده و بسیاری از صاحب نظران در موضوع آذربایجان، به خوبی بر مطلوب بودن شرایط این کشور برای برخی اقلیتها واقفند که از جمله آنها می‌توان به یهودیها اشاره کرد

حاکمیت جمهوری آذربایجان ادعای ظرفیت پذیرش فرهنگ‌های مختلف را داشته و دارد. در سایه همین ادعاست که شاهد وضعیت مطلوب یهودی‌ها در این کشور هستیم. اما شگفتا که با وجود چنین ادعایی و با توجه به مطلوبیت اوضاع برخی اقلیتها در آذربایجان، معالاسف شاهد آستانه تحمل بسیار پایین حاکمیت این کشور در مورد شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام هستیم و هر روز بر فشار، خفقان، دستگیری‌ها و حبس طیف مذکور که اکثریت (بیش از 85 درصد) کشور آذربایجان را تشکیل می‌دهند، افزوده می‌گردد. مقامات رژیم صهیونیستی با سفر به آذربایجان در صدد بهبودی بیش از پیش وضعیت یهودیان در این کشور بوده و با تقویت نهادها و موسسات مردم نهادی که منتسب به این رژیم هستند، می‌خواهند بر نفوذ فرهنگی خود در آذربایجان بیفزایند تا از این رهگذر میزان تنفر و انزجار مردم مسلمان و غیور آذربایجان از این رژیم جعلی را تعدیل و موجب سستی در روحیه استکبار ستیزی و صهیونیست ستیزی ایشان شده، موجبات کم رنگ شدن فرهنگ عاشورایی که منبعث از انقلاب اسلامی بوده و همه ساله بر عمق و گستردگی آن در بین مردم آذربایجان افزوده می‌شود، خلل وارد کنند.

سیاسی: استراتژی کهن رژیم صهیونیستی در مقابله با محاصره توسط کشورهای مسلمان عرب که توسط بن گوریون اولین نخست وزیر این رژیم مطرح گردیده است، در زمان کنونی نیز مهم‌ترین راهبرد آنها در مورد کشورهای مسلمان غیرعرب منطقه تلقی می‌گردد، لذا همواره بر گسترش و تقویت روابط با چنین کشورهایی اهمیت خاصی قائل هستند. در سایه همین استراتژی است که از زمان استقلال کشور آذربایجان توجه ویژه‌ای توسط رژیم صهیونیستی به این کشور بوده و به طرق مختلف سعی نموده‌اند تا به آذربایجان و مقامات آن نزدیک شوند و روابط گرمی با آنها ایجاد نمایند. با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعی جهان محسوب می‌شود و هم مرز با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، بنابراین توجهات رژیم صهیونیستی به این کشور صد چندان بوده و سفر مقامات صهیونیستی از منظر سیاسی نیز بیشتر با رویکرد مقابله با جمهوری اسلامی ایران، به آذربایجان صورت می‌گیرد.

نظامی امنیتی: از جمله مهم‌ترین اهداف رژیم صهیونیستی، بهره‌گیری از توان نظامی و امنیتی خود برای نفوذ هرچه بیشتر در جوامع هدف می‌باشد تا ضمن ایجاد بازارهای فروش سلاح، در تار و پود ساختارهای نظامی و امنیتی کشورهای مزبور نیز نفوذ کرده و تسلط و اشراف خود را از این حیث چند برابر نماید. با توجه به چنین سیاستی است که شاهد روابط گسترده رژیم صهیونیستی با آذربایجان در مقوله نظامی و

امنیتی هستیم، به گونه‌ای که باکو بخش اعظم تسلیحات نظامی خود را توسط این رژیم تامین می‌کند و آموزشهای لازم برای عناصر اطلاعاتی و امنیتی آذربایجان نیز توسط رژیم صهیونیستی موساد انجام می‌گیرد. تسلط بر سیستم‌های مخابراتی آذربایجان، ایجاد پایگاههای شنود در مرزهای این کشور به ویژه مرزهای جمهوری اسلامی ایران، پایه گذاری و ایجاد پایگاههای نظامی، کارخانه‌های تولید سلاح و پهپاد و... از جمله اقدامات رژیم صهیونیستی در این کشور است.

از رهگذر چنین سیاستی است که ترور برخی از دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که طراحی شده و ساخته و پرداخته رژیم صهیونیستی بوده، از طریق خاک آذربایجان انجام گرفته که نمونه بارز آن ترور شهید دکتر علی‌محمدی توسط فردی می‌باشد که به اقرار خودش هماهنگی‌های سفر به سرزمین‌های اشغالی برای گذراندن دوره‌های لازم ترور از طریق آذربایجان صورت گرفته بود. همچنین فراموش نکنیم که پهپادی که توسط سپاه و در نطنز سرنگون گردید، از خاک آذربایجان برخاسته بود و متعلق به رژیم صهیونیستی بود.

اقتصادی: روابط اقتصادی بین رژیم صهیونیستی و آذربایجان از جمله موضوعاتی است که بر کسی پوشیده نیست. در این میان انتقال انرژی و فروش نفت توسط آذربایجان به رژیم صهیونیستی جایگاهی ویژه بین طرفین دارد و این رژیم دومین خریدار نفت آذربایجان محسوب می‌شود بطوریکه تقریباً یک ششم از نفت مورد نیاز رژیم صهیونیستی توسط آذربایجان تامین می‌گردد. در بحث مبادلات تجاری و اقتصادی نیز دو طرف روابط نسبتاً قوی ایجاد نموده‌اند. با بررسی اجمالی به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که طی حداقل 5 سال اخیر، رژیم صهیونیستی در کنار کشورهای نظیر ایتالیا، انگلستان، ترکیه و آلمان جزء اصلی‌ترین شرکای تجاری و اقتصادی آذربایجان محسوب می‌شود.

تاریخ گواه این واقعیت است که رژیم جعلی صهیونیستی از زمان پیدایش تا به اکنون در هیچ برهه ای، از خیانت و ظلم و ستم بر علیه مسلمانان فروگذار نبوده و در این زمینه کارنامه این رژیم به حدی ننگین و خفت بار می‌باشد که بلا شک حتی حامیان این رژیم در جلسات پنهانی خود بر این امر صحنه می‌گذارند. در اثر تلاشها و اقدامات این رژیم است که امروزه شاهد به خاک و خون کشیده شدن مردمان مظلوم و کودکان بی‌گناه در فلسطین، غزه، لبنان، سوریه، عراق و بسیاری دیگر از مناطق هستیم.

با اذعان به چنین واقعیت‌هایی، جای تاسف و تأثر و تاسف است که حاکمیت کشوری اسلامی همچون جمهوری آذربایجان که زمانی باکو را به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی می‌نمود، دست دوستی به سوی رژیم منحوس صهیونیستی دراز نموده و این کشور را به محل رفت و آمد صهیونیست‌ها تبدیل کرده است.

حاکمیت آذربایجان بایستی به این مطلب توجه کند که مسیر حل مشکلات این کشور نه از تل‌آویو بلکه از راه چنگ زدن به اسلام و بهره گیری از جوانان غیور و مسلمان این کشور، همچنین در سایه تعامل با کشورهای که پرچم استکبار ستیزی و دفاع از مظلومین و محرومین را برافراشته‌اند میسر می‌باشد و اگر قرار بر آزادی قره‌باغ باشد تنها با پیمودن این مسیر ممکن خواهد بود.

منبع: کیهان